

سلسلہ دروس خارج

اصول فقہ

استاد پیدہ حسن خمینی

موضوع: وضع

جلسہ:

۵۶

تاریخ:

۱۹/۱۰/۱۳۷

تعریف وضع در کلمات اصولیون

۱. آخوند
خراسانی

الوضع :

نحو اختصاص للفظ بالمعنى و ارتباط خاص بينهما .. و بهذا المعنى صحّ تقسيمه الى التعيينى و التعيينى

نکات

۱. ایشان فرموده «چه نوع ارتباطی» و همین باعث اعتراضاتی به مرحوم آخوند شده است

۲. از لفظ تخصیص استفاده نکرده است چراکه لفظ «تخصیص» مصدر است و مصدر همراه فاعل می باشد.

۳. چون در وضع تعینی، واضع وجود ندارد، آخوند به ثمره وضع که همان «اختصاص لفظ به معنی» است توجه می نماید

اشکال امام
به مرحوم
آخوند

«اختصاص»، وضع نیست بلکه اثر وضع است.
(این اشکال کامل به نظر می رسد)

نقد تعریف

مرحوم بروجردی :

این فرار از تعریف وضع است : چراکه حقیقت وضع مشخص نشده است
(و الا در مورد تعریف انسان هم می توان گفت : انه نحو موجود فی
الخارج)

مرحوم امام :

این تعریف، احاله به مجهول است

الوضع :

تعیین اللفظ للدلالة على المعنى بنفسه
فالتعین جنس يشمل جميع التعینات :
- التعین عن قصد : الوضع التعیني
- التعین من غير قصد : الوضع التعیني

۲. نظر صاحب
الفصول

تعريف وضع در
كلمات اصوليون

۱. ایشان فرموده با واژه «لفظ»، دلالت علامات دیگر را خارج کرده است
(چراکه دلالت علامات گرچه بالوضع است ولی به واسطه لفظ نیست)

۲. ایشان فرموده با قید «بنفسه»، دلالت های مجازی را خارج کرده است
(چراکه دلالت مجازی به واسطه قرینه است)

نکات

این تعریف، به هویت وضع اشاره دارد (به همین جهت از تعریف آخوند بهتر
است)

نقد : معلوم نمی کند که «تعیین» چگونه است و لذا با اکثر مبانی آینده سازگار
است

ما می گوئیم:

تعريف وضع در
كلمات اصوليون

۳. محقق
نهاوندی

الوضع :

عبارة عن تعهد الواضع لغيره بانه لا يتكلم باللفظ
الفلاني الا عند ارادة تفهيم المعنى الفلاني

مرحوم حائري :

«ان يتلزم الواضع انه متى اراد معنى و تعقله و اراد افهام الغير، تكلم بلفظ كذا فاذا
التفت المخاطب بهذا التزام ينتقل الى ذلك المعنى عند استماع ذلك اللفظ منه»

مرحوم خوئي :

«ان حقيقة الوضع عبارة عن التعهد بابرز المعنى الذي تعلق قصد المتكلم بتفهيمة
بلفظ مخصوص ؛ فكل واحد من اهل اي لغة متعهد في نفسه متى ما اراد تفهيم معنى
خاص، أن يجعل مبرزه لفظاً مخصوصاً»

نظرات ديگران

تعهد چندین فرض دارد:

۱. تعهد می کند: هر وقت معنی را تصور کرد، این لفظ را بیاورد
← مراد هیچ یک از سه بزرگوار نیست
۲. تعهد می کند: هر وقت معنی را تصور کرد و خواست آن را تفهیم کند، این لفظ را بیاورد
← ظاهر عبارت مرحوم **حائری**
۳. تعهد می کند: هر وقت معنی را تصور کرد و خواست آن را به وسیله لفظ تفهیم کند، این لفظ را آورد
← ظاهر عبارت مرحوم **خوئی** (اگر «بلفظ مخصوص» را متعلق به «تفهیم» بگیریم)
۴. تعهد می کند، هر گاه این لفظ را آورد، این معنی را اراده کرده است
← ظاهر عبارت مرحوم **نهایندی**

فرض اول غلط است :

چراکه گاهی معنی را تصور می کنیم برای خودمان و بس!

.۱

فرض دوم غلط است :

چراکه چه بسا معنی را به وسیله علامت تفهیم می کنیم

.۲

فرض سوم غلط است:

چه بسا معنی را به وسیله معنای مجازی و با قرائن تفهیم می کنیم

.۳

فرض چهارم غلط است:

چه بسا این لفظ را به کار می برد برای هدفی غیر از تفهیم

.۴